

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و هشتم ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

لزوم پاسخگویی روشمند به شبهات (۲۷) - شایستگی های لازم یک پاسخگو به شبهات (۱۳)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

بحث ما در رابطه با شرایط و اهلیت کسی است که می‌خواهد در حوزه پاسخگویی به شبهات یا در مناظرات حضور داشته باشد ما در روزهای گذشته عرض کردیم یکی از شرایط ورود به این حوزه آگاهی از مبانی اعتقادی شیعه است یکی از عزیزان بحث ما که البته من این عزیز را نمی‌شناسم به من پیام داده بود من دیشب شبکه کلمه رفته بودم در آنجا در مورد مباحثه بحث کردیم گفتم مباحثه بعد از نزول آیه

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)

سوره مائدة (۵): آیه ۳

بوده و نتوانستم در بحث موفق شوم.

ما بارها گفتیم کسی که مبانی شیعه دستش نیست وقتی که در یک شبکه جهانی می‌رود که میلیون‌ها نفر از معاندین و مخالفین شیعه در آنجا هستند و همین طوری بی‌گدار به آب می‌زند نتیجه‌اش همین است

ما همیشه داد می‌زنیم و می‌گوییم اقا کسی که می‌خواهد در این کارها برود باید یک اولیات و ضروریاتی از مبانی فکری شیعه را داشته باشد یا حداقل می‌خواهد در رابطه با مباحثه برود بحث کند در اینترنت سرچ بزند که روز مباحثه چه روزی بود واقعه‌ی مباحثه چه بود؟

امروزه اینترنت بهترین وسیله برای ما است که از مسائل آگاهی پیدا بکنیم متأسفانه بعضی از بزرگواران دقت نمی‌کنند در یک موضوعی هم که انسان می‌رود آن‌ها سوالات مختلف می‌پرسند آن‌ها دوره دیدند آن‌ها سال‌ها زحمت کشیدند.

آن‌جا تمام شیطنتها را برای این‌ها آموزش داده‌اند از نظر مغالطه و پیچاندن شاید بتوان گفت حرف اول را می‌زند طوری است که تمام آن ریزه کاریهای فرار از موضوع و پیچاندن طرف و سوال پیچ کردن طرف و هُو کردن طرف را بلد است

یعنی تمام این چیزهای را که ما این‌جا داریم برای شما توضیح می‌دهیم شما اگر یک هفته شبکه کلمه را ببینید یقین می‌کنید که تمام این موارد را این آقایان دارند پیاده و عمل می‌کنند

ما از دوستان تقاضا داریم حداقل شبکه کلمه را یکی دو هفته نگاه کنید و ببینید که این‌ها چه کار دارند می‌کنند همان روشی را که این‌ها برای نشر شبهات علیه شیعه و تضعیف روحیات بچه‌های شیعه دارند ما بیاییم همین روش را در مباحث شیعه پیاده بکنیم

به هر صورت دیروز هم اشاره شد به این‌که یکی از شرایط پاسخگویی به شبهات و شرکت در مناظره اطلاعات کافی از فرهنگ شیعه و مبانی اعتقادی شیعه است و آگاهی از قضایایی که در اطراف ما اتفاق می‌افتد

امام صادق سلام الله عليه می‌فرماید

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۲۷، ۸ جلدی، دار الکتب الإسلامية

- تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

کسی که آگاه به زمان باشد شبهات بر او بی تأثیر است.

آگاه به زمان فقط مسائل سیاسی نیست ما بینیم امروز در جهان معاصر در فضای ماهواره و در فضای مجازی و در فضای سایبری و غیره چه اتفاقاتی دارد می‌افتد و چه شبهاتی دارند علیه ما و علیه ما جوان‌های ما دارند مطرح می‌کنند

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالتَّعْرِ الَّذِي يَلِي إِيْلَيْسُ وَ عَفَارِيْتُهُ»

علمای شیعه ما پاسداران مرزهای ما هستند

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، ج ۲،

ص ۵، ، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

اگر یک پاسدار و یک مرزبان اصلا اسلحه گرفتن و کار با اسلحه را بلد نباشد این در اولین وهله‌ای که سربازان دشمن می‌آیند تا این آقا خودش را حرکت بدهد نابود شده است به قول این بزرگوار که می‌گوید من

ضایع شدم

لذا ما باید یک مقداری دقت کنیم هم فرمایشاتی که از ائمه علیهم السلام است این‌ها را جدی بگیریم و هم این نکاتی که دارد اشاره می‌شود این‌ها را یک مقداری خوب دقت کنیم.

مسئله سوم بحث روش‌های قانع کردن طرف مقابل است که انسان ببیند آن روشهایی که ائمه علیهم السلام داشتند یا در سیره انبیاء بوده را یاد بگیریم و من بارها به دوستان عرض کردم یکی از مباحثی که ضرورت دارد ما مطالعه و مباحثه کنیم همین کتاب المناظرات فی الامامة اقای عبدالله حسن از علمای عراق است

ایشان تمام مناظراتی که توسط ائمه علیهم السلام و اصحاب ائمه و علما بوده همه را جمع کرده است یعنی سال‌ها این بنده خدا زحمت کشیده الحق و الانصاف تلاش کرده تمام این بحث‌هایی که در تاریخ اتفاق افتاده حتی بعضی از مناظراتی که در مکه و مدینه توسط بعضی از روحانیون کاروان‌ها اتفاق افتاده این‌ها را هم در این کتابش ذکر کرده است

اگر ما بیاییم حداقل همین کتاب را مطالعه و مباحثه کنیم که در اینترنت هم وجود دارد و در نرم افزار مکتبه اهل بیت هم هست ما وقت بگذاریم روزی نیم ساعت و نه بیشتر. روزی نیم ساعت اگر مطالعه کنیم در یک ماه ۱۵ ساعت می‌شود ما باید مطالعه و یاد داشت برداری کنیم بینیم ائمه علیهم السلام در بحث‌ها و مناظرات‌شان برای اقناع طرف مقابل از چه روش و اسلوبی استفاده می‌کردند.

ما این‌ها را حفظ کنیم یادداشت کنیم باهمدیگر مباحثه کنیم و این‌ها را به صورت ملکه برای خودمان در بیاوریم موفقیت بیشتری خواهیم داشت

اگر ما بخواهیم در این حوزه ها کار کنیم باید ببینیم که انبیاء علیهم السلام از چه روش‌های استفاده می‌کردند و از چه اسلوبی و از چه ظرفیت‌هایی برای اقناع طرف مقابل بهره می‌بردند و ما هم بیاییم همین روش را در عصر خودمان در فضای مجازی و غیره استفاده کنیم

### پرسش:

یک مطلبی که خیلی روی آن در مناظرات تأکید می‌کنند مسئله پاسخ‌های نقضی است که مقدم بر پاسخ‌های حلی است در مناظره بهتر جواب می‌دهد مرحله پاسخ‌های نقضی هم یک دقت و تفحص خاصی است مثلاً در قسمت از تاریخ نوشته یک پاورقی در یک کتاب ۳۰ جلدی است از آن یک پاسخ نقضی در می‌آورند

روش رسیدن به این پاسخ‌های نقضی چطور است؟ مثلاً طرف باید کتاب ۲۰ جلدی را از اول تا آخرش بخواند یا نه یک راه خاصی دارد؟

### پاسخ:

در پاسخ‌های نقضی اگر ما بیاییم ادله‌ای که برای ابطال عقاید مخالفین در کتاب‌های کلامی ما آمده است مثلاً الغدیر را ملاحظه بکنید لازم نیست کتاب ۲۰ جلدی را بخوانیم همین کتاب مرحوم شرف الدین المراجعات ایشان جواب‌های نقضی زیاد دارد

ما این‌ها را بیاوریم در یک دفتری و در یک فایلی این‌ها را جمع کنیم یعنی ما حداقل ۲۰۰ - ۳۰۰ تا جواب‌های نقضی همیشه دم دستمان باشد و همچنین کتاب معالم المدرستین می‌آید دو تا مکتب را مقایسه می‌کند وقتی که در مکتب سقیفه می‌رود همه این‌ها جواب‌های نقضی است این‌ها کاملاً واضح و روشن است

من به دوستان توصیه می‌کنم

(وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)

سوره نجم (۵۳): آیه ۳۹

در جایی که ما تلاش می‌کنیم نتیجه‌اش را می‌گیریم نه این‌که از تلاش دیگران بخواهیم استفاده کنیم و یا اگر دوستان بتوانند سایت ولیعصر را ملاحظه کنند ما در تمام مقالاتی که در این سایت داریم تلاش کردیم در هر پاسخی که به شبهات وها بیت و یا اهل سنت می‌دهیم از جواب نقضی هم استفاده کنیم.

شاید کمتر مقاله‌ای شما ببینید یا کمتر پاسخی ما در سایت موسسه تحقیقاتی ولیعصر داشته باشیم که جواب نقضی نداشته باشد این‌ها باید جمع بشود و موضوع بندی بشود و وقتی ما با طرف مقابل بحث می‌کنیم ببینیم موضوع چه است فهرستی هم برای این فایل مان داشته باشیم کامپیوتر هم جلوی مان باشد یا روی گوشی مان بریزیم.

الان همین وردی که در گوشی‌های موبایل اندروید است وقتی که شما از فهرست کلیک می‌کنید سریع روی مطلب می‌رود این‌ها را ما با یک مراجعه کوچک به فهرست موضوعاتی که انتخاب کردیم خیلی راحت می‌توانیم به هدف مان برسیم من چند نمونه‌ای از مناظرات انبیاء را این جا به عنوان نمونه آوردم.

حضرت ابراهیم علی نبینا وآله وعلیه السلام با نمرود بحث می‌کند می‌آید استدلال می‌کند خدایی که آسمان و زمین را آفریده خدایی که بشر را آفریده ...خدا می‌میراند و زنده می‌کند گفت من هم می‌میرانم و زنده می‌کنم دو نفر را دستور می‌دهد اعدام کنند وقتی برای اعدام می‌خواهند ببرند یکی‌اش را اعدام می‌کنند یکی‌اش را هم از اعدام نجات می‌دهد می‌گوید من او را کشتم و این را هم احیاء کردم پس

( أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ )

سوره بقره (۲): آیه ۲۵۸

یا نه یک کسی که بی‌گناه هم بود می‌گوید این را ببرید بکشید آن شخصی را که پای چوبه دار بردند می‌گوید او را نکشید این را مصداق قرار می‌دهد در برابر

( وَاللَّهُ يَخِي وَيَمِيتُ )

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۶

حضرت ابراهیم می‌آید یک جواب خیلی زیبایی نقضی می‌دهد می‌گوید

( فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ )

سوره بقره (۲): آیه ۲۵۸

خدای عالم آفتاب را از مشرق می‌آورد شما راست می‌گویید و اگر قدرت داری از مغرب بیاور

( فَبِئْسَ الَّذِي كَفَرَ )

سوره بقره (۲): آیه ۲۵۸

با یک جواب نقضی طرف می‌تواند تار و پود فکری و زیر بنای اعتقادی‌اش را به هم بریزد به این شکل است آفتاب از سمت مشرق می‌آید شما مگر نمی‌گویید من عین قدرت خدا را دارم شما بیا از طرف مغرب بیاور.

یعنی نقض آن چه که خدای عالم انجام می‌دهد عرض می‌کنم جواب‌های نقضی تأثیر گذاری‌اش از جواب‌های حلی بیشتر است بفرمایید حضرت ابراهیم هم از همین روش استفاده می‌کند ایشان برای اتمام حجت برای دیگران اول آن مباحث حلی‌اش را ردیف می‌کند ولی طرف زیر بار جواب‌های حلی نمی‌رود.

در مرحله نهایی به جواب نقضی می‌رسد ولی تجربه‌ای که من دارم چون این وهابی‌ها به نظر من خیلی

پست‌تر از نمرود هستند نمرود حداقل

(فَبِئْتِ الَّذِي كَفَرَ)

سوره بقره (۲): آیه ۲۵۸

شد ولی اگر به جای نمرود وهابی‌ها بودند چهار تا جواب‌های دیگری به حضرت ابراهیم می‌دادند ولی این

دیگر چیزی نتوانست بگوید یا مثلاً حضرت موسی علی نبینا وآله وعلیه السلام می‌آید

(اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ؛ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا)

سوره طه (۲۰): آیات ۴۳ / ۴۴

اولاً با نرمش سخن گفتن است فحش و ناسزا طرف مخالف را نمی‌شود قانع کرد می‌گوید

(قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ؟ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ. قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ)

...از گذشته‌ها بگو

سوره طه (۲۰): آیات ۴۹ / ۵۰ / ۵۱



(قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى)

سوره طه (۲۰): آیه ۵۲

چیزی که بخواهد بیان بکند و قابل اثبات نیست طرف مقابل انکار بخواهد بکند مطرح هم نمی‌کند

(وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي)

سوره اسراء (۱۷): آیه ۸۵

حقیقت روح را پیغمبر اکرم بیاید بگوید چنین و چنان است او می‌گوید روح را به من نشان بده یک دفعه

می‌گوید

(قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي)

بعضی از مسائلی که قابل اثبات نیست طرف مقابل می‌آید شما را در بن بست قرار می‌دهد یک راه گریزی

می‌گذارد که

(قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي)

سوره اسراء (۱۷): آیه ۸۵

(قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى)

سوره طه (۲۰): آیه ۵۲

یا مثلاً وقتی فرعون به حضرت موسی توهین می کند و می خواهد حضرت موسی را ترور شخصیتی بکند  
با این که خدای عالم می فرماید

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا)

سوره طه (۲۰): آیه ۴۴

در صورتی که طرف مقابل هم در حد مرز خودش قرار بگیرد ولی از حد مرزش بالا رفت و روی ترور  
شخصیتی رفت ببینید

(فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا)

تو را سحر کردند عقلت را از دست دادی

سوره اسراء (۱۷): آیه ۱۰۱

یعنی می خواهد یک کاری بکند حضرت موسی را در میان مردم تحقیر کند همین حضرت موسی که بنا  
است بگوید

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا)

سوره طه (۲۰): آیه ۴۴

چه می گوید؟

(وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا)

## سوره اسراء (۱۷): آیه ۱۰۲

من تو را ای فرعون تباه شده می بینم

به قول معروف جواب سنگ ، سنگ است (قَوْلًا لِيْنَا)

## سوره طه (۲۰): آیه ۴۴

دیگر معنا ندارد، این دارد لجاجت و عناد می کند در برابر لجاجت و عناد، آن جا دیگر انسان نباید کم بیاورد آنچه که او سنگ می اندازد و آنچه که او دارد ترور شخصیتی می کند این هم باید مقابل آن در اختیار او قرار بدهد و او را ترور شخصیتی بکند.

لذا عزیزان اگر همین مناظرات را ملاحظه بکنند خیلی از رموز و فنون مناظره به دست آدم می آید یعنی این بحث های که حضرت موسی با فرعون داشت آیتش از اول تا آخر شاید بالای ۱۰۰ آیه باشد در هر سوره ای و در هر مناسبتی به یک نوعی آمده است

اگر ما اولین برخوردی که حضرت موسی با فرعون داشته تا آخرین لحظه ای که منجر به غرق شدن فرعون می شود را مورد دقت قرار دهیم، ده ها فن و روش مناظره را به دست خواهیم آورد. این ها هم متصل به منبع وحی هستند و آنچه را که مطرح می کنند حرف خود حضرت موسی نیست حرف حضرت ابراهیم نیست این روش ها و این اسلوب و این منهج بر گرفته از سرچشمه وحی است این ها را ما برویم دسته بندی کنیم در مناظراتی که با این وهابی ها، اهل سنت و دیگران داریم همین ها را ما اعمال کنیم یهودیان به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گفتند:

(وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى)

اگر کسی به بهشت بخواهد برود باید اول یهودی و مسیحی بشود

سوره بقره (۲): آیه ۱۱۱

اگر یهودی و مسیحی نشود بهشت نمی‌تواند برود قرآن چه می‌گوید؟

(قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

سوره بقره (۲): آیه ۱۱۱

این ادعا است دلیل شما چه است؟ می‌گوید حرف بدون دلیل، ارزشی ندارد

(وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى)

سوره بقره (۲): آیه ۱۱۱

آیه‌ای در تورات دارید؟ آیه‌ای در انجیل دارید؟ سخنی از حضرت موسی و حضرت عیسی دارید بفرمایید

به ما نشان بدهید و اگر از آن‌ها حرفی ندارید چون بهشت و جهنم دست خدا است خدا می‌داند چه کسی

بهشتی و چه کسی جهنمی است و کسی هم که متصل به منبع وحی است می‌تواند خبر بدهد

(هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ)

دلیل‌تان را برای ما بیاورید

سوره بقره (۲): آیه ۱۱۱

یا آن آیه‌ای که می‌گوید

(فَأْتُوا بِالَّتُورَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

تورات را بیاورید راست می‌گویید با هم بخوانیم

سوره آل عمران (۳): آیه ۹۳

ببینیم این حرف‌هایی که شما می‌زنید در این تورات وجود دارد یا نه شما

(تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ)

سوره بقره (۲): آیه ۱۱۱

این فقط چیزهای است که در ذهن‌تان دارید می‌پرورانید یا مثلاً در رابطه با نصاری نجران قرآن دارد

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ)

سوره آل عمران (۳): آیه ۶۱

حضرت می‌آید با این‌ها محاجه می‌کند استدلال می‌کند دلیل و برهان می‌آورد این‌ها خودشان را به لجاجت می‌زنند زیر بار برهان نمی‌روند در این‌جا دیگر دینی که حق باشد و دینی که منطبق با حقیقت و واقعیت باشد باید یک ابزاری هم داشته باشد برای آخرین لحظه که بتواند طرف را مثل همان قضیه حضرت ابراهیم که می‌گوید

(فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ)

سوره بقره (۲): آیه ۲۵۸

یک چیزی بیاورد که متصل به منبع وحی است.

بگوید استدلال کردیم قبول ندارید احتجاج کردیم زیر بار نرفتید بفرمایید با هم مباحله می‌کنیم، مباحله یک چیزی است که در تمام شرایع بوده و چیزی نیست که فقط مخصوص اسلام باشد در آیین مسیح، یهود، ابراهیم و... هم بوده آن کسانی که متصل به عالم وحی هستند برای موارد ضروری از آن جا استفاده می‌کنند.

یا در همان قضیه مناظره آن مرد شامی که خدمت امام صادق سلام الله علیه می‌آید و می‌گوید من آمدم مناظره کنم و همه مناظره می‌کنند نوبت به هشام ابن حکم که می‌رسد ببینید آن جا هشام از طرف مقابل چه

سوال می‌کند؟

نکته ظریفی است دقت بفرمایید

«مَنْ أَنْظَرُ لِلْخَلْقِ أَوْ رَبِّهِمْ أَوْ أَنْفُسِهِمْ»

آیا پروردگار ما نسبت به بنده‌ها مهربان‌تر است یا خود بنده‌ها صلاح‌شان را می‌دانند؟

« فَهَلْ أَقَامَ لَهُمْ مَنْ يَجْمَعُ لَهُمْ كَلِمَتَهُمْ وَ يُقِيمُ أَوْدَهُمْ وَ يُخْبِرُهُمْ بِحَقِّهِمْ مِنْ بَاطِلِهِمْ قَالَ هِشَامٌ فِي وَقْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ وَسَلَّمَ أَوْ السَّاعَةِ - قَالَ الشَّامِيُّ فِي وَقْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ وَسَلَّمَ مَنْ فَقَالَ هِشَامٌ هَذَا الْقَاعِدُ الَّذِي تُشَدُّ إِلَيْهِ الرَّحَالُ »

« فَهَلْ أَقَامَ لَهُمْ مَنْ يَجْمَعُ لَهُمْ كَلِمَتَهُمْ وَ يُقِيمُ أَوْدَهُمْ وَ يُخْبِرُهُمْ بِحَقِّهِمْ مِنْ بَاطِلِهِمْ قَالَ هِشَامٌ فِي وَقْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ وَسَلَّمَ أَوْ السَّاعَةِ - قَالَ الشَّامِيُّ فِي وَقْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ وَسَلَّمَ مَنْ فَقَالَ هِشَامٌ هَذَا الْقَاعِدُ الَّذِي تُشَدُّ إِلَيْهِ الرَّحَالُ »

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۱۷۲، ۸ جلدی، دار الکتب

الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

یعنی همین سوالی که هشام از مرد شامی کرده بود نتوانست جواب دهد مرد شامی از هشام سوال می‌کند می‌گوید دلیل ما بعد از پیغمبر برای رفع اختلاف چه است؟ گفت قرآن، قرآن حجت خدا است وهابی‌ها هم همین را می‌گویند امام، قرآن است همان طوری که در قرآن هم دارد آن آیه شریفی که به حضرت موسی امام ما دادیم

(وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا)

سوره حقاف (۴۶): آیه ۱۲

می‌گوید همان طوری که تورات امام بود الان قرآن امام است

مرد شامی می‌آید می‌بیند چقدر زیبا استدلال می‌کند می‌گوید اگر قرآن امام است باید رفع اختلاف کند می‌گوید بله گفت چطور الان شما و ما هر دو قرآن را قبول داریم ولی باهم اختلاف داریم

فبہت

بعد مرد شامی می‌گوید اگر قرآن نیست چه کسی باید رفع اختلاف کند می‌گوید این مردی که این‌جا نشسته است اشاره به آقا امام صادق سلام علیه می‌کند بعد می‌گوید

«وَيُخْبِرُنَا بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»

این آقایی که متصل به عالم وحی است

مثل من و شما نیست همان طوری که قرآن متصل به عالم وحی است این مرد هم قرآن ناطق است متصل

به عالم وحی است

« قَالَ الشَّامِيُّ فَكَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ ذَلِكَ »

از کجا بدانم ایشان متصل به عالم وحی است

« قَالَ هِشَامٌ سَلُهُ عَمَّا بَدَا لَكَ قَالَ الشَّامِيُّ قَطَعْتَ عُذْرِي فَعَلَيْ السُّؤَالِ »

این که حرف ندارد دلیل قانع کننده است قبول هم دارم بعد به امام صادق علیه السلام رو می کند و می گوید

از کجا من بدانم شما متصل به عالم وحی هستید

« فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا شَامِي أَخْبِرْكَ كَيْفَ كَانَ سَفْرُكَ وَ كَيْفَ كَانَ طَرِيقُكَ كَانَ كَذَا وَ كَذَا... »

امام صادق علیه السلام تمام اتفاقاتی که برای این مرد شامی افتاده بود را یکی، یکی مطرح می کند

« فَأَقْبَلَ الشَّامِي يُقُولُ صَدَقْتَ أَسَلَمْتُ لِلَّهِ السَّاعَةَ »

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۱۷۲، دار الکتب الإسلامية - تهران،

چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

امام صادق علیه السلام که متصل به عالم وحی است ما که متصل به عالم وحی نیستیم چیزی ائمه علیهم

السلام برای ما قرار دادند حضرت می فرمایند

«باهلوههم في علي بن أبي طالب»

شما در رابطه با امام علی بن ابیطالب سلام الله علیه بیاید مباحله کنید



مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الإمامیة، ص ۷۱، جلدی، کنگره شیخ مفید - ایران؛ قم، چاپ:

دوم، ۱۴۱۴ق.

این هم معجزه اسلام برای ما است در مواردی که کار به بن بست می‌رسد طرف لجاجت می‌کند ادله‌ای عقلی و نقلی طرف را قانع نمی‌کند شارع مقدس برای من و شما هم همان‌طوری که آقا امام صادق علیه السلام را اینگونه قرار داده که

### یخبرهم بأخبار السماء والارض

مشابه این قضیه را الی ما شاء الله در تاریخ در مناظرات و یا در هدایت‌های مردم قرار داده است. این مورد هشام و امام صادق سلام الله علیه نمونه‌اش بوده است برای ما هم یک همچنین موضوعی را قرار داده است

عزیزان این را هم دقت کنید مباحله یک شرایطی دارد سه روز روزه گرفتن، غسل کردن، دعا کردن و امثال این قضایا از شرایط مباحله است این شرایط را اگر رعایت کنیم نتیجه می‌دهد همین‌طوری نیست که بگوییم آقا شما بیایید باهم مباحله کنیم.

اقای آل محسن در عربستان سعودی با یکی از علمای وهابی در بیابان رفتند مباحله کردند هیچ اتفاقی هم نیفتاد.

خدا رحمت کند آیت الله العظمی بهجت را وقتی که شیعیان در شبکه المستقله با وهابی‌ها می‌خواستند مباحله کنند دوستان خدمت آقای بهجت تماس گرفتند و خدمت ایشان رسیدند که بحث مناظره است و این

قضیه دارد به مباحله کشیده می‌شود اقای بهجت فرمودند این‌ها قطعا به مباحله نمی‌آیند شما بگوئید اگر مباحله خواستند بیایند من تمام شرایط مباحله را برایتان توضیح می‌دهم عمل کنید.

آخر هم این‌ها گفتند مباحله باید در خانه خدا و کنار حجر الاسود باشد در حجر اسماعیل باشد از این حرف‌ها زدند و عاقبت هم نتوانستند برای مباحله حاضر بشوند و این هم برای شکست آن‌ها بوده است.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته